فصلنامه علمی اقتصاد و مدیریت شهری، ۹(۲(پیاپی ۳۴))، ۱۶۶-۱۵۵
www.iueam.ir
نمایه در ISC، EconLit، Econbiz، EBZ، GateWay-Bayern، SID، Google Scholar، Noormags، Magiran، Ensani، RICeST، Civilica
شاپا: ۲۳۴۵-۲۸۷۰

نقش عادلانه بودن دادرسی اقتصادی بر جذب سرمایه در کلان‌شهرها

مهران صادقی مادوانی دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

مصطفی فروتن * استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

علیرضا سایبانی استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

نوع مقاله: پژوهشی
دریافت: ۹۹/۰۶/۰۵ **پذیرش:** ۹۹/۰۹/۱۸

چکیده: توسعه اقتصادی در کلان‌شهرها مستلزم جذب سرمایه داخلی و خارجی است و دستیابی به توسعه، بدون وجود حمایت‌های حقوقی و قانونی از سرمایه‌گذار ممکن نخواهد بود. ساختار نظام حقوقی و قانونی هر کشور باید به‌گونه‌ای باشد که سرمایه‌گذار با احساس امنیت به سمت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف و موردنیاز کلان‌شهرها هدایت شود. چنانچه سرمایه‌گذار، پس از شروع فعالیت اقتصادی در مظان اتهام اقتصادی قرار گرفت در صورتی که احساس غیرمنصفانه بودن دادرسی‌های اقتصادی در جامعه حاکم باشد یا این احساس به سرمایه‌گذاران القا شود نتیجه آن، فرار و عدم‌جذب سرمایه خصوصاً در کلان‌شهرها خواهد بود. طی سال‌های اخیر، شیوه رسیدگی به جرایم اقتصادی در برخی از پرونده‌ها به‌گونه‌ای بوده که برخی از اصول دادرسی عادلانه، تحدید شده و این امر، احساس ناامنی اقتصادی را فراهم آورده است. رعایت اصول دادرسی عادلانه و منصفانه در رسیدگی‌های اقتصادی، مهم‌ترین اصول تضمین‌کننده عدالت کیفری و محکم‌ترین زیربنای امنیت اقتصادی محسوب می‌شود و سبب ایجاد احساس وجود امنیت اقتصادی در فضای کسب‌وکار و در نهایت موجبات، جذب سرمایه و افزایش بهره‌وری و اشتغال را فراهم می‌کند. از این رو هدف این پژوهش، بررسی نقش عادلانه بودن دادرسی اقتصادی بر جذب سرمایه در کلان‌شهرها می‌باشد و روش تحقیق، به‌صورت تحلیلی و توصیفی است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تعقیب بی‌ضابطه و اعمال مجازات غیرعادلانه فعالان حوزه کسب‌وکار در فرار سرمایه خصوصاً در کلان‌شهرها مؤثر می‌باشد.

کلمات کلیدی: جذب سرمایه، کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری، امنیت اقتصادی، جرایم اقتصادی، دادرسی عادلانه، کلان‌شهرها
طبقه‌بندی JEL: F21, G21, E22, O45, R11

.

*نویسنده مسئول: foroutanmostafa@gmail.com

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

۱- مقدمه

اشتغال‌زایی و جذب سرمایه، از اولویت‌های کشور خصوصاً در کلان‌شهرها محسوب می گردد تا جایی که جذب سرمایه‌گذار، یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی کشور تلقی می‌گردد (دودانگی، ۱۳۹۵). فقدان ثبات اقتصادی و ناتوانی در جذب مؤثر سرمایه‌گذار خارجی و داخلی موجبات بروز بحران بیکاری شهروندان به‌ویژه در کلان‌شهرها را فراهم آورده است. هرچند در این راستا برخی از افراد سودجو و فرصت‌طلب هستند که در نقش فعال اقتصادی و سرمایه‌گذار با اقدامات خود حوزه کسب‌وکار را دچار چالش می‌کنند؛ زیرا جرائم اقتصادی نه تنها نظام اقتصادی بلکه سطوح اجتماعی را نیز دچار آشفتگی می‌کند. فضای کسب‌وکار در کلان‌شهرهای ایران نیز به دلیل ابتلا و آسیب های عدیده نسبت به نظام‌های اقتصادی پیشرفته زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند. این امر باعث گردیده جرایم اقتصادی به یکی از مهم ترین معضل اجتماعی در ایران تبدیل شود (باوی و همکاران، ۱۳۹۹).

ایجاد نابرابری در فرصت‌ها و اختلال در رقابت منصفانه، کاهش اعتماد شهروندان به نظام اقتصادی و کاهش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در بخش تولید و رکود صنعتی، رانت‌خواری و ملاحظات سیاسی در تصمیم‌گیری‌های کلان در نتیجه ابتلای نظام سیاسی به فساد اقتصادی به‌منظور حفظ قدرت، ناکارآمدی اقتصادی و فقدان ثبات اقتصادی، همگی بخشی از نتایج زیان‌بار جرائم اقتصادی می‌باشد. به رغم آنچه بیان شد، بررسی عملکرد متولیان دستگاه قضایی و قانون‌گذاران در برخورد با جرائم اقتصادی حاکی از آن است که تصویب قوانین کیفری همیشه بهترین و ساده‌ترین راه حل مبارزه با بزهکاری و کج‌روی‌های اجتماعی به‌خصوص در برخورد با جرائم اقتصادی است. در واقع آنچه جامعه را از خطر جرائم حفظ می کند تصویب مداوم عناوین کیفری نیست بلکه حتمی بودن کیفرهاست (آزمایش، ۱۳۸۶).

با این حال ممکن است زمانی که سرمایه‌گذار پس از شروع فعالیت اقتصادی در مظان اتهام اقتصادی قرار گرفت دادرسی عادلانه در مواردی با محدودیت مواجه گردد؛ برای نمونه، نظم عمومی مدلول مقرراتی می‌باشد که از ذات، حیثیت و منافع مادی و معنوی جامعه باید در آن حمایت جدی گردد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶). پس برای حفظ آن، هرگونه اقدام الزام‌کننده یا بازدارنده، به‌جا و شایسته خواهد بود.

البته باید توجه داشت که هر نفع عمومی، مجوز عدول از اصل برائت نمی‌باشد. از طرفی حساس بودن، امنیتی بودن بعضی از جرایم حوزه اقتصادی، سازمان‌یافتگی و تهدیدات ناشی از آن یا به بهانه مشارکت دادن مردم در رسیدگی‌های اقتصادی خصوصاً در کلان‌شهرها نباید دست‌آویزی قرار گیرد تا از اصول دادرسی های کیفری که در قانون موضوعه ایران و چه در اسناد بین‌المللی پذیرفته‌شده عدول گردد تا متعاقب آن سرمایه‌گذار با احساس ناامنی اقتصادی مواجه گردد. از طرفی چنانچه احساس غیرمنصفانه بودن دادرسی‌های اقتصادی در جامعه وجود داشته باشد نتیجه آن، فرار و عدم جذب سرمایه خصوصاً در کلان‌شهرها خواهد بود. با نگاهی به مقررات کنونی و نحو رسیدگی به اتهامات بعضی از سرمایه‌گذاران اقتصادی متوجه خواهیم شد که شیوه رسیدگی در برخی موارد با اصول حاکم بر دادرسی عادلانه و منصفانه در تعارض است که این امر موجبات احساس ناامنی در فضای کسب‌وکار در کلان‌شهرها را فراهم می‌آورد. در حالی که رعایت اصول دادرسی منصفانه در رسیدگی‌های اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین اصول تضمین‌کننده عدالت کیفری و محکم‌ترین زیربنای امنیت اقتصادی محسوب و سبب ایجاد احساس وجود امنیت اقتصادی در فضای کسب وکار و نهایتاً موجبات جذب سرمایه و افزایش بهره وری و اشتغال را فراهم می کند. با توجه به جدیدالتصویب بودن مقررات ویژه دادرسی اقتصادی تاکنون موضوعی اعم از مقاله، کتاب، پایان‌نامه یا رساله‌ای به صورت تخصصی به بررسی دقیق

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

نقش عادلانه بودن دادرسی اقتصادی بر جذب سرمایه در کلان‌شهرها نپرداخته است. با توجه به آنکه حکمرانی خوب در فضای کسب‌وکار، بسترساز توسعه پایدار و بلندمدت است؛ تجزیه‌وتحلیل این موضوع، تأثیر بسزایی بر جذب سرمایه در کلان‌شهرها خواهد داشت. با توجه به مطالب بیان شده در تحقیق حاضر، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا عادلانه بودن دادرسی اقتصادی بر جذب سرمایه در کلان‌شهرها مؤثر است؟ چه ارتباطی بین فرار سرمایه با دادرسی منصفانه اقتصادی وجود دارد؟ فرضیه ما آن است:

- عدول از دادرسی عادلانه اقتصادی موجب فرار سرمایه در کلان‌شهرها می‌گردد.
- فرار سرمایه، ارتباطی با احساس امنیت اقتصادی در فرایند دادرسی اقتصادی دارد.

۲- پیشینه تحقیق

الف) پیشینه خارجی

جود و سیلاگی[1] (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به تجزیه وتحلیل آثار جذب سرمایه مستقیم خارجی بر اشتغال پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه گذاری خارجی مستقیم و غیرمستقیم دارای آثار مستقیم بر تقاضای نیروی کار می باشد.

موریسی و آدمو کردمانگ کول[2] (۲۰۱۲) در پژوهش خود با بررسی و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیدند که فساد اداری و قضایی و بی‌ثباتی در سیاست، مهم‌ترین علل فرار سرمایه و عدم‌جذب سرمایه می‌باشند.

گریگول[3] (۲۰۰۶) ارتباط بین اشتغال و سرمایه‌گذاری مستقیم و غیرمستقیم را با استفاده از شیوه تابلویی بررسی کردند. خروجی این بررسی نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش اشتغال و بهبود فضای کسب‌وکار در کشور می‌گردد.

پریرسون[4] (۱۹۹۸) در مطالعات خود به این نتیجه رسید که جذب سرمایه به صورت مستقیم متأثر از ریسک سلب مالکیت، میزان آزادی های شهروندی و بروکراسی قرار دارد و ارتقای فضای کسب‌وکار متأثر از ریسک سلب مالکیت مداخلات سیاسی و قضایی و فساد می‌باشد.

مارو[5] (۱۹۹۵) پس از مطالعه و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها به این نتیجه رسید که فساد در دستگاه قضایی و سازوکار غلط سیستم اداری موجب فرار سرمایه و عدم‌سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی می‌گردد.

ب) پیشینه داخلی

سلاطین و جهانی (۱۳۹۳) به مطالعه میزان تأثیرگذاری کیفیت حکومت‌رانی بر اشتغال در گروه کشورهای مختلف با درآمد بالا و درآمد متوسط پرداختند. نتایج نشان دادند بهبود حکمرانی، موجبات افزایش اشتغال در گروه کشورهای منتخب شده است.

خالقی (۱۳۹۸) در رابطه با فرایند رسیدگی به جرائم اقتصادی که دستخوش تغییرات جدید در سنجه اصول دادرسی عادلانه و در باب رعایت اصول دادرسی عادلانه هستند، در کتاب آیین دادرسی کیفری بیان کرده است: یکی از ابعاد مهم تحولات صورت گرفته در نیمه دوم قرن بیستم در زمینه آیین دادرسی کیفری، تقویت حقوق دفاعی متهم از طریق تسهیل دسترسی متهم به دادرسی عادلانه است. شروع این تحولات به سال ها پس از پایان جنگ جهانی دوم و تنظیم اسناد بین المللی حقوق بشر بازمی گردد که هدف آنها، الزام دولت ها به رعایت حقوق بشر در دستگاه قضایی و تأمین شرایط لازم برای برگزاری یک دادرسی منصفانه بوده است.

شاه‌آبادی و همکاران (۱۳۹۵) با استفاده از داده‌های گوناگون به نقش حکومت‌ها بر رشد بیکاری در کشورهای مختلف پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه، حکایت از آثار ملموس نحوه حکومیت‌داری در فضای کسب‌وکار و رشد بیکاری دارد.

1- Jude and Silaghi
2- Morrissey and Udomkerdmongkol
3- Craigwell
4- Poirson
5- Mauro

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

طالع‌پور اردکانی و خواجه محمودآبادی (۱۳۹۴) به مطالعه تأثیر جذب سرمایه بر فضای کسب‌وکار در ایران پرداختند و نتایج تجزیه‌وتحلیل فرضیات تحقیق نشان‌دهنده وجود آثار مطلوب بین تولید ناخالص داخلی با نرخ بیکاری می‌باشد.

شامبیاتی (۱۳۸۶)، عدالت و اجرای عدالت را منوط به داشتن یک نهاد غنی و قوه قضایی می‌داند که با اسلوب و شیوه‌های علمی و عملی نیازهای بستر امروزه و پیچیدگی مسائل مبتلا به آن را اعم از حقوقی و کیفری، پاسخ می‌دهد. بدیهی است که داشتن یک نهاد قضایی دقیق و قوانین مدون حساب شده که موجب برطرف کردن خلأهای قانونی شود و قضات سالم و مجرب و تقویت آنها تنها راه نائل شدن یک نهاد قضایی مطلوب و نظام دادرسی عادلانه و ایده‌آل است.

۳- مبانی نظری

جرایم اقتصادی در دو معنا به کار می‌رود: در معنای خاص به رفتارهایی اطلاق می‌گردد که به‌عنوان جرم پیش‌بینی و در بخش حقوق جزای اختصاصی حقوق کیفری اقتصادی، بررسی می‌گردند. در معنای عام به همه مباحث کیفری و پیشگیرانه مرتبط با جرایم اقتصادی اطلاق می‌شود که در این معنا به دلیل پیش آمدن مباحث سیاست جنایی و به‌ویژه تدابیر پیشگیرانه، جرایم اقتصادی، حتی از حقوق کیفری اقتصادی که تنها به مباحث حقوق می‌پردازد، عام‌تر است. تعریف جرایم اقتصادی به‌طور خاص نیز متضمن تعریف مصداقی است تا به تک‌تک آنها اشاره شود ولی در معنای خاص، تعریف باید به مفهوم یا معیار باشد تا در همه مباحث مرتبط با جرایم اقتصادی و از جمله موضوعات مرتبط با سیاست جنایی به کار آید (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲).

اما از سوی برخی از حقوق‌دانان و جرم‌شناسان، برای جرم اقتصادی، تعاریف و توضیحات متعددی ارائه گردیده که این خود حاکی از نبود اجماع در تعریف این جرم است که در ذیل به بررسی آنها پرداخته می‌شود:

جرم اقتصادی اعمال غیرقانونی ارتکاب‌یافته در قلمرو فعالیت‌های حرفه‌ای به‌منظور کسب امتیازات اقتصادی می‌باشد. این تعریف همچنین شامل فرار از مالیات، اشکال مختلف تقلب و اختلاس در شرکت‌ها و مؤسسات قانونی است (Skogh, 2004).

این تعریف هرچند دو مورد از مهم‌ترین ملاک‌های تعریف این جرم، یعنی ارتکاب در بستر حرفه اقتصادی و ارتکاب به‌منظور کسب امتیازات اقتصادی را داراست و با وصف اینکه بسیاری از جرایم اقتصادی را دربر می‌گیرد و از این حیث فاقد اشکال به نظر می‌رسد، اما ملاک صدمه به سیستم اقتصادی در آن نادیده گرفته شده است.

جرایم اقتصادی، اعمال ممنوعه‌ای هستند که به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد می‌کنند یا آنها را به خطر می‌اندازد (Mauro, 1995).

هرچند به ملاک صدمه زدن به منافع اقتصادی موردحمایت جامعه و سوءاستفاده از اعتماد در قلمرو روابط اقتصادی در این تعریف اشاره شده است اما ارتکاب جرم به‌منظور کسب منافع مادی و اقتصادی که از ارکان مهم تعریف این جرم به کار می‌رود را دربر ندارد (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲).

جرم اقتصادی به‌طور غیرقابل‌اجتنابی با فساد مرتبط است که البته صدمه مستقیم به سلامت حکومت و نهادهای آن می‌باشد. ارتکاب بسیاری از اشکال جرم اقتصادی مستلزم سطوحی از فساد مقامات رسمی است (Shover & Wright, 2001).

جرم اقتصادی در این تعریف، در واقع و به‌طور شفاف تعریف نگردیده بلکه صرفاً ارتباط تنگانگ آن با فساد مقامات رسمی بیان شده است.

جرم اقتصادی با فساد تداخل دارد، با این حال، این دو مفهوماً با هم متفاوت هستند (Homes, 2006). در این تبیین نیز در مقام معرفی جرم اقتصادی همچون مورد پیشین، از جرم یاد شده تعریف مقبول و شفافی به عمل نیامده و صرفاً سخن از تداخل این جرم با فساد و سپس تفاوت مفهومی این دو به میان آمده است.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

جرم اقتصادی عمدتاً بر فساد حکومت و شرکت‌ها، گمرک و تقلب در مالیات غیرمستقیم، تقلب شرکت‌ها، تقلب بانکی، تقلبات بیمه‌ای، تقلب در تجارت بین‌الملل، فرار از مالیات و سوءاستفاده از گریزگاه‌ها، بانکداری زیرزمینی و پولشویی متمرکز است (مولایی و مزیدی شرف‌آبادی، ۱۳۹۴). جرم اقتصادی باید از جرم سازمان‌یافته، متمایز گردد. از یک‌سو مفهوم این جرم می‌تواند گسترده‌تر از جرم سازمان‌یافته باشد؛ زیرا هر جرم اقتصادی را لزوماً سازمان‌های تبهکار دارای هویت، مرتکب نمی‌شوند و جرم اقتصادی می‌تواند به شکل جرم یقه سفیدی نیز ارتکاب یابد، به علاوه جرم فراگیر و شایعی مانند فرار از مالیات را گروه‌های مختلفی از مردم مرتکب می‌شوند. از سوی دیگر، مفهوم جرم سازمان‌یافته می‌تواند گسترده‌تر باشد؛ زیرا این جرم، دربرگیرنده خشونت است در حالی که خشونت لزوماً در جرم اقتصادی، جایگاهی ندارد (Ledeneva & Kurkchiyan, 2000).

در جرایم اقتصادی، جرایم علیه حقوق مصرف‌کننده یا جرایم زیست‌محیطی یا جرایم ناقض قوانین حاکم بر محیط کسب‌وکار نقض می‌شود؛ بنابراین جرم اقتصادی جرمی است که در مراکز تجاری و سایر سازمان‌ها ارتکاب می‌یابد (Andersson, 2005).

در این تعریف از جرم اقتصادی، بر عناصری ضروری در تعریف جرم یاد شده؛ از جمله ارتکاب جرم به منظور کسب سود و نقض اعتماد فیمابین مرتکب جرم و بزه‌دیده و ارتکاب جرم در چارچوب فعالیت اقتصادی، تأکید شده و مقصود نویسنده از استفاده از واژه اقتصادی در عبارت جرم اقتصادی در این تعریف، انگیزه مرتکب جرم که همان کسب سود و منافع مادی است می‌باشد، نه اینکه این دسته جرایم به سیستم اقتصادی صدمه وارد می‌کنند. به نظر می‌رسد این تعریف نیز هرچند کامل‌تر از تعاریف و توضیحات پیشین است، اما جامع نمی‌باشد؛ زیرا نتیجه ارتکاب این جرم همانا ایراد ضرر و خسارت به سیستم اقتصادی است را نادیده گرفته است.

لازم به توضیح است که در کلیه تعاریف فوق، نویسندگان از کاربرد واژه اقتصادی، همان انگیزه کسب سود و منفعت یا امتیاز مالی توسط مرتکب جرم است و نه لطمه به نظام اقتصادی استفاده برده‌اند. به نظر می‌رسد استفاده از این واژه برای بیان انگیزه مرتکب جرم باعث توسع مفهوم این دسته جرایم می‌گردد؛ به گونه‌ای که کلیه جرایم مالی، جرایم علیه مالکیت خصوصی یا عمومی مانند سرقت، کلاهبرداری و ... را دربرمی‌گیرد، در حالی که استعمال این واژه ایجاب می‌کند که دیدگاه گسترده‌تر و افق وسیع‌تری در این خصوص پیش روی ترسیم گردد و در تعریف این جرم، آثار عمل مجرمانه که همان اخلال در سیستم اقتصادی است ملاک قرار داده شود تا انگیزه کسب سود و منافع مالی توسط مرتکب.

نکته دیگر که به‌عنوان ایراد به بیشتر تعاریف فوق می‌توان وارد کرد این است که تأکید ارائه‌کنندگان تعاریف بر انگیزه مجرم به‌عنوان کسب سود و منفعت مادی در به کار بردن لفظ اقتصادی، مشکلاتی را به دنبال دارد؛ زیرا تأکید آنان بر معیار مذکور، چنان‌که گفته شد جرایم مالی علیه مالکیت خصوصی یا عمومی را نیز دربر می‌گیرد و از سوی دیگر، جرایم اقتصادی لزوماً در بستر فعالیت اقتصادی موردنظر آنان ارتکاب نمی‌یابند؛ زیرا چه بسا بسیاری از این جرایم توسط افراد عامی و فاقد حرفه و شغل ارتکاب یابند.

هرچند عموم تعاریف با نقض و مشکل ردپذیری همراه هستند ولی به هرحال یک تعریف نزدیک به اجماع همگانی می‌تواند گامی برای شفاف ساختن مفهوم و تعریف جرم اقتصادی گردد. از این رو باید گفت: جرم اقتصادی شامل اعمال مجرمانه‌ای می‌گردد که عادتاً با هدف کسب سودجویی یا بهره‌برداری مادی ارتکاب می‌یابد و نتیجه آن، اخلال در سیستم و نظام اقتصادی (تولیدی، توزیعی، پولی و ارزی، گمرکی، مالیات، بانکی، حمل‌ونقل، حقوق مصرف‌کننده و غیره) می‌باشد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

۴- روش تحقیق

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش عادلانه بودن دادرسی اقتصادی بر جذب سرمایه در کلان‌شهرها می‌باشد؛ لذا در این تحقیق، از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده و روش گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است. با جست‌وجو در پایگاه‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی و استنادی و پرتال جامع علوم انسانی و کتابخانه‌ها، اطلاعات جمع‌آوری شد.

۵- یافته‌های تحقیق

در این قسمت با فرض تحت تعقیب قرار گرفتن سرمایه‌گذار به اتهام جرم اقتصادی در کلان‌شهرها، موارد محدود شده اصول دادرسی منصفانه در فرایند دادرسی و چرایی اعمال آنها در جرایم اقتصادی بررسی شده است.

رعایت نکردن تشریفات آیین دادرسی (تسریع در رسیدگی)

از زمان ارتکاب یک جرم تا زمان صدور حکم مجازات و اجرای آن بر مرتکب، رعایت یک سلسله تشریفات و قواعد قانونی لازم است و بدون رعایت این تشریفات، رسیدگی به جرم امکان‌پذیر نمی‌باشد. همچنین، یکی از شرایط مهم بهره‌مندی از حق دادرسی عادلانه، رسیدگی به دعاوی و شکایات و صدور حکم و اجرای آن در اسرع وقت است. اهمیت این امر از آن جهت است که چنانچه فرایند کیفری بی‌هیچ دلیل موجه و قانونی دچار اطاله غیرطبیعی و غیرمنطقی گردد به‌طور قطع براساس دادرسی عادلانه لطمه می‌زند و آن را از هدف اصلی‌اش که تضمین حقوق اصحاب دعوا از یک طرف و حقوق جامعه از طرف دیگر است منحرف می‌سازد. شایان ذکر است در مزایا و ضرورت تسریع دادرسی کیفری میان متخصصان کیفری اختلاف نظر وجود ندارد. چنان که به اعتقاد سزار بکاریا حقوقدان ایتالیایی قرن هجدهم، آنچه جامعه را در قبال خطر تبهکاران بهتر صیانت خواهد کرد، وجود قواعدی است که بتواند در کشف سریع و فوری جرم و تعقیب و محکومیت حتمی و مسلم مجرم به مجازات مؤثر واقع شود. لیکن، منظور از تسریع در رسیدگی، شتاب و عجله در کار قضاوت نیست، بلکه منظور این است که تا حد امکان دادرسی گام سریعی بدون این که حقوق اساسی فرد، مثل اصل برائت و حق دفاع او و نظم قضایی صدمه وارد آید، برداشته شود. رعایت نکردن تشریفات آیین دادرسی کیفری در رسیدگی به جرم‌های مهم به دلیل تسریع فرایند رسیدگی و مجازات کردن مرتکبان این گونه جرم‌ها صورت می‌پذیرد؛ زیرا جرم‌های مهم به دلیل آثار و تبعات سنگینی که برای جامعه به‌طور کلی و بزه‌دیدگان به‌طور خاص دربر دارد و نیز برای حفظ اعتماد عمومی به دولت‌ها در تأمین و تضمین نظم و آرامش عمومی، مستلزم رسیدگی سریع می‌باشند. لیکن، باید توجه داشت که علی‌رغم تبعات منفی بسیار زیاد این گونه جرم‌ها، مجریان در کلان‌شهرها باید مراقب حقوق دفاعی متهمان و فعالان و سرمایه‌گذاران اقتصادی باشند و به بهانه تسریع، حقوق آنان را تضیع نکنند. قانون‌گذار ایرانی در گستره قوانین و مقررات ملی، گاهی به‌منظور سرعت بخشیدن به چرخه عدالت کیفری، رسیدگی به برخی جرم‌ها مانند پرونده‌های مربوط به قاچاق کالا و ارز را بدون رعایت تشریفات دادرسی تجویز کرده و بدین ترتیب، آیین دادرسی افتراقی در این زمینه پیش‌بینی شده است و در تدوین آن، از اصولی الهام گرفته و پیروی کرده که به واسطه آن، مصالح اجتماعی را بر حقوق متهمان ترجیح داده است به‌طوری که اعمال قواعد این گونه دادرسی، محکومیت سریع و قطعی متهم را به دنبال دارد (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴). برای نمونه قانون‌گذار در فرایند رسیدگی به قاچاق کالا و ارز، برخورد قاطع، شدید و سریع با مرتکبان قاچاق را بر رعایت حقوق دفاعی آنها ترجیح داده است. نظام عدالت کیفری، در پی محکومیت هر چه سریع‌تر متهمان قاچاق کالا و ارز است، ضمن اینکه عواملی چون شخصیت بزه‌دیده، ارزش ریالی پرونده، برخی مناسبات و تعلقات جناحی و سیاسی، بازنمایی رسانه‌ای از جرم و اعمال

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

فشار گروه‌های خاص، موجب می‌شود تا نظام قضایی با سرعت هرچه تمام‌تر، پرونده‌های خاص را بررسی کند (قپانچی، و دانش ناری، ۱۳۹۱).

به‌عنوان یک نمونه دیگر می‌توان به ماده ۳۰ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ در این زمینه مقرر می‌دارد: «شکایات و دعاوی مربوط به فساد مالی باید در مراجع قضایی و اداری، خارج از نوبت رسیدگی شود.» از این رو، رسیدگی خارج از نوبت نیز یکی از سازوکارهای تسریع در رسیدگی به جرم‌های جهانی به حساب می‌آید (احمدی و رضایی، ۱۳۹۴).

باید اضافه کرد هرچند پرهیز از اطاله دادرسی از حقوق اصلی متهم به شمار می‌رود اما در نقطه مقابل، اجتناب از شتاب‌زدگی تحت تأثیر افکار عمومی نیز از حقوق بنیادین متهم اقتصادی می‌باشد. با این وجود در سیاست جنایی ایران، در مواردی، دادگاه‌ها به سوی تسریع در روند رسیدگی هدایت شده‌اند تا بدین وسیله عزم جدی مسئولان سیاست جنایی در مقابله با جرایم جزم شود و از ارزش نقض شده، حمایتی نمادین صورت گیرد. چنین راهکاری در غالب موارد به نادیده انگاشتن یا تضییع حقوق متهمان می‌انجامد. به عبارت دیگر و چنانچه اشاره شد تسریع بیش از اندازه در فرایند کیفری، موجب کاهش دقت در رسیدگی، افزایش توجه به نتیجه‌گرایی و تحدید موازین دادرسی عادلانه خواهد شد که مسلماً در درازمدت، ناکارآمدی نظام کیفری و بازنمایی منفی از عملکرد آن را به دنبال خواهد داشت.

محدودیت دسترسی به وکیل

به موجب تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، چنانچه جرائم اقتصادی به صورت سازمان‌یافته، ارتکاب یابند و مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون باشد، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که موردتأیید رئیس قوه قضاییه باشد انتخاب می‌کنند. اسامی وکلای مزبور، توسط رئیس قوه قضاییه اعلام می‌گردد. این تبصره، محدودیتی ناروا بر حق دفاع که یکی از آثار آن حق انتخاب وکیل است وارد ساخته و شائبه‌ای نابه‌جا را متوجه قوه قضاییه ساخته است (سلطانی‌فرد و همکاران ۱۳۹۷). هرچند در جرائم اقتصادی مطابق استجازه جدید، انحصار وکالت حذف گردیده است اما شکی وجود ندارد هرگونه محدودیت در راستای ایجاد مانع بر دسترسی به وکیل مستقل در دادرسی‌های اقتصادی می‌تواند آثار منفی بر جذب سرمایه و نهایتاً ایجاد و موجبات احساس ناامنی اقتصادی خصوصاً در کلان‌شهرها را فراهم آورد.

بازداشت موقت

سازمان ملل متحد به موجب بند ۳ از ماده ۱۱ کنوانسیون پالرمو و نیز بند ۴ از ماده ۳۰ کنوانسیون مریدا، آزادی متهم تا زمان محاکمه یا استیناف را با توجه به حق دفاع موکل به تضمین در نظر گرفتن ضرورت حضور وی در مراحل بعدی دادرسی قرار داده و به دولت‌های عضو رعایت این موضوع را توصیه کرده است (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲).

در نظام حقوق داخلی صرف‌نظر از مواردی که مقنن به‌منظور جلوگیری از ایجاد اختلال در روند تحقیقات، ممانعت از تبانی متهم با دیگران و به‌ویژه اطمینان از دسترسی به متهم در مراحل بعدی تحقیق و رسیدگی، صدور قرار بازداشت موقت را تجویز کرده است در غالب اتهامات اقتصادی از این فراتر رفته و صدور قرار بازداشت موقت را جز در موارد بسیار کم‌اهمیت اجباری و غیرقابل‌اعتراض فرض کرده است.

به نظر می‌رسد که پیش‌بینی قرار بازداشت موقت اجباری و غیرقابل‌اعتراض در جرایم اقتصادی آن هم در کلان‌شهرها، ضمن آنکه با موازین دادرسی عادلانه منافات دارد، اثر بازدارندگی چندانی هم در پی نداشته باشد. در جرایم اقتصادی بازدارندگی و پیش‌گیرنده بودن سیاست کیفری بیش از آنکه به‌شدت مجازات و صرف این نوع تدابیر شکلی (بازداشت موقت اجباری) بستگی داشته باشد، به قطعیت و معقولانه بودن آنها بستگی دارد.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

بدیهی است که اخذ قرار تأمین نامتناسب و سنگین از متهمین چنین جرایمی قابل درک و پذیرش نیست و دارای آثار منفی جذب سرمایه و ایجاد احساس ناامنی فضای کسب‌وکار در کلان‌شهرها به‌شمار خواهد رفت.

تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت

برجسته‌ترین جلوه رسیدگی نسبت به مجرمان اقتصادی که دستی در سازمان‌های جنایی نیز دارند، تلقی مجرمیت از رفتارهای آنهاست که به تقدم اماره مجرمیت و اصل برائت مشهور است. اصل برائت مبتنی بر حفظ امنیت و کرامت انسان است و براساس آن، شخص، بی‌گناه فرض می‌شود مگر اینکه گناهکاری‌اش ثابت گردد. طبق اصل ۳۷ قانون اساسی ایران، اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانون، مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد. فرض بی‌گناهی بدین معنی است که مجموعه اجزای یک نظام قضایی، اداری و اجتماعی در راستای حاکمیت بخشیدن به اصل مصونیت افراد از هر نوع تعرضی تلاشی هماهنگ و سازگار داشته باشند. در چنین فرضی است که روح حاکم بر جهت‌گیری‌ها و عملکردهای واقعی اجزای یک سیستم اجتماعی و حقوقی، عینیت بخشیدن به فرض بی‌گناهی مظنون یا متهم اقتصادی است مگر آن که یک حکم قطعی و لازم‌الاجرایی که براساس ضوابط دقیق قانونی علیه فرد صادر شده است جایگزین اصل برائت گردد (شاملو، ۱۳۸۳).

در جرایم اقتصادی از نظر مبنایی، علت تقدم اماره مجرمیت بر اصل برائت، ناکارآمدی قاعده استصحاب در صورت وجود اماره مجرمیت است؛ زیرا اصل برائت کیفری در مواردی که شخص مظنون به ارتکاب جرمی است، مبتنی بر استصحاب عدم‌ارتکاب جرم و برائت سابق است (منصورآبادی و اسدی‌نیا، ۱۳۹۹). برای نمونه چنانچه در پرونده اقتصادی مطرح شده در دادگاه‌های یکی از کلان‌شهرها سرمایه‌گذار در مظان اتهام در مورد درآمدهای مشکوک باشد، قاضی پرونده، نسبت به برائت سابق متهم شک می‌کند که در نتیجه با جریان استصحاب برائت سابق، بی‌گناهی وی استمرار می‌یابد.

با این وصف، سرمایه‌گذاری که در مظان اتهام قرار گرفته در محاکم ویژه جرایم اقتصادی باید با فرض بر برائت به اتهام او رسیدگی شود.

عدم ارجاع امور فنی و تخصص به کارشناسان رسمی دادگستری در پرونده‌های اقتصادی

امروزه، کارشناس به دلیل تخصصی شدن اغلب امور و فنی بودن ماهیت پرونده‌ها، یکی از ابزارهای مؤثر در حصول علم قاضی به شمار می‌رود. کارشناس متبحر در امر خاص، با روشن کردن زوایای امر واقع شده، در موارد خارج از محدوده دانش عرفی قاضی، وی را در دستیابی به علم یاری می‌کند و در این صورت، کارشناسی هر چند در عداد دلایل قانونی نباشد، می‌تواند در حصول علم قاضی مؤثر باشد و اماره قضایی به حساب آید (دیانی، ۱۳۹۴).

کارشناس نیز همانند قاضی باید بی‌طرف و بی‌غرض باشد. این امر به‌ویژه در مواردی که کارشناس موقعیت ممتازی در دادرسی دارد، واجد اهمیت است (صائمی، ۱۳۸۲).

اهمیت و ضرورت بی‌طرفی کارشناس به این دلیل است که نظریه کارشناسی می‌تواند مستند محکومیت متهم اقتصادی قرار گیرد و اگر کارشناس، خود شاکی یا به هر نحو مرتبط و ذی‌نفع با شاکی باشد، این وضعیت، مخالف اصول پذیرفته شده دادرسی عادلانه و مصداق بارز تعارض منافع می‌باشد.

به علاوه، عقلانی کردن رسیدگی به یک پرونده، اقتضا دارد که با دقت انجام گیرد و اگر کارشناس منتخب، صلاحیت لازم را نداشته باشد، دقت در رسیدگی نیز مختل می‌شود.

عدم‌دسترسی به استقلال قضایی

در عصر حاضر، تفکیک قوا به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول حقوق از سوی نظام‌های مختلف به رسمیت شناخته شده است. نظریه تفکیک قوا را بسیاری

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

مهم‌ترین ابزار تحدید قدرت خوانده‌اند. اساس این نظریه بر این است که هریک از شاخه‌های قدرت باید وظیفه مشخصی داشته باشند. وظیفه قوه مقننه وضع قوانین و مقررات، وظیفه مجریه انطباق آنها بر موارد خاص است و قوه قضائیه نیز اعمال قوه مجریه را کنترل و به اختلافات رسیدگی می‌کند (مرادخانی، ۱۳۹۴)؛ البته امکان دارد به‌طور استثنایی یکی عهده‌دار وظیفه دیگری شود؛ برای مثال، قوه مقننه، کار قضایی انجام دهد یا قوه مجریه با وضع آیین‌نامه، به قانون‌گذاری اقدام کند؛ البته این امر در چارچوب و محدوده مشخصی تحقق می‌یابد و توجیه معینی در پس آن وجود دارد. بنابراین، برمبنای تئوری تفکیک قوا، هیچ یک از شعبه‌های قدرت، حق دخالت و اجرای وظایف دیگری را ندارد. به تفکیک قوا بیشتر از حیث علمی و تئوریک نگریسته شده است، اما علاوه‌بر ارزش‌های روش‌شناسی و متدولوژیک، بدون وجود تفکیک قوا و سایر نهادهای کنترل‌کننده، هنگامی که موضوع تنظیم قواعد حقوق پیش آید، حکومت می‌تواند چهره‌ای خشن، افراطی و مداخله‌گرانه از خود نشان دهد. در ساخت سیاسی نامناسب و بی‌بهره از اصل تفکیک قوا، می‌توان از محدود کردن حق‌ها و آزادی‌های مرتبط با حقوق عمومی و خصوصی مردم سوءاستفاده کرد (نوبهار، ۱۳۸۷). امروزه، تفکیک قوا به جریانی رایج در ساختار شکلی کشورها بدل شده و ترسیم شکل دولت‌ها با این ساختار، به صورت نسبی یا مطلق، در رژیم‌های پارلمانی یا ریاستی یا در رژیم‌های نیمه‌ریاستی نیمه‌پارلمانی پذیرفته شده است. در هر حال، بدون تفکیک قوا از حیث شکلی، از منظر ماهوی هم اکنون تعداد قوای موجود در کشورهای مختلف، بیش از نمونه‌ای است که مدافعان کلاسیک این نظریه بیان کرده‌اند.

باید گفت، تفکیک مؤثر میان قوه مجریه و قوه قضاییه از جمله امور اساسی و مهم برای دستیابی به استقلال قضایی و قضاوت عادلانه است. بدین لحاظ، باید این اطمینان خاطر حاصل شود که قوه مجریه نمی‌تواند برای دستیابی به نفع خود در برابر اداره شوندگان، در سیستم قضایی و قضات تأثیر بگذارد. به عبارت دیگر، علاوه بر پارلمان مستقل، یک سیستم قضایی از هر نظر مستقل نیز، برای حصول اصل تفکیک قوا الزامی است (امیرحاجلو و فتحی، ۱۳۹۷). این الزام، برگرفته از این رویکرد است که دولت نباید قادر باشد با تحت فشار قرار دادن مستقیم یا غیرمستقیم به هر نحو ممکن، منفعتی بیشتر از دیگر اطراف دعوا برای خود رقم زند. ضمن اینکه در بسیاری موارد، لازم است قاضی در جایگاه احقاق حق و برقراری عدالت، در مقابل دولت بایستد و شاید این جنبه از جمله مهم‌ترین تمایزات میان حکومت‌های دموکراتیک و دیکتاتوری باشد. بنا بر آنچه بیان شد فقدان استقلال قضایی و مداخله دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در فرایند دادرسی اقتصادی حکایت از ناعادلانه بودن دادرسی محسوب و موجبات بی‌اعتمادی افکار عمومی خصوصاً فعالان اقتصادی در کلان‌شهرها به دستگاه قضایی را فراهم خواهد آورد که نتیجه‌ای جز احساس ناامنی اقتصادی در فضای کسب‌وکار به بار نخواهد آورد.

حمایت از شهود، بزه‌دیدگان، کارشناسان و مخبرین

حمایت از کسانی که از اقدامات مجرمانه اقتصادی به طرق و عناوین مختلف اطلاع حاصل می‌کنند، کسانی که بزه‌دیده این جرایم هستند و کارشناسان و مخبرین، به خاطر تهدیدات مرتکبین این جرایم و به دلیل عدم‌اطمینان از اینکه در صورت شکایت، ادای گواهی و اعلام‌نظر کارشناسی و اطلاع به مسئولین ذی‌ربط تحت حمایت کامل و وافی قانونی قرار خواهند گرفت، حاضر به همکاری با مقامات پلیس و دستگاه قضایی در خصوص کشف و تعقیب جرایم مورد بحث نمی‌شوند، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و لذا اعمال و اجرای تدابیری که حمایت شهود و سایر افرادی که اطلاعات را ارائه داده یا علیه چنین مجرمینی شهادت می‌دهند ضروری می‌باشد (Schabbach, 2013). در فرایند کیفری، حقوق شهود شامل حق حیات و سلامت جسمی، حق شخصیت و حق تعیین اطلاعات توسط آنان باید شناسایی و مورد حمایت قرار گیرد (Vogler & Huber, 2008).

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

در بند (ه) (۳) ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی[1] که دولت ایران هم آن را امضا و تصویب کرده است، به نوعی حق متهم در رویارویی با شهودی که علیه او شهادت داده‌اند، بیان شده است. این حق به‌عنوان یکی از ارکان اساسی فرایند دادرسی اتهامی مدنظر قرار گرفته است (رحمدل، ۱۳۸۸). مواجهه با شهود، به متهم اقتصادی این اجازه را می‌دهد تا به طور مستقیم شهادتی که به وسیله شهود دادستان در محضر دادگاه ارائه شده را به چالش بکشد. متهم می‌تواند سوءپیشینه کیفری شاهد و دیگر موضوعات مرتبط، همانند مصونیت با تخفیف مجازات که باعث شده شاهد دروغ بگوید را ارائه کند. مواجهه با شهود بهترین روش کشف صحت و سقم اظهارات شهود است و استناد به اظهارات مخبران به خصوص مواردی که هویت آنها افشا نشده با این حق متهم به‌طور قطعی در تعارض است.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد

جذب سرمایه داخلی و خارجی در کلان‌شهرها از سال‌های دور به‌عنوان یکی از منابع مهم تأمین‌کننده امنیت اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. سرمایه‌گذاری در کلان‌شهرها به صورت مستقیم و غیرمستقیم می تواند بر اشتغال در کلان‌شهرها اثر بگذارد. به این نحو که سرمایه‌گذاری مستقیم اشتغال را از طریق تشکیل شرکت در فعالیت‌ها سرمایه گذاری می‌کند که شهروندان می‌توانند از امتیاز نسبی نیروی کار محلی بهره‌مند شوند. علاوه بر آن سرمایه‌گذاری از طریق ایجاد اشتغال می تواند بر رشد فرهنگی و اجتماعی کمک شایانی نماید. جذب سرمایه علاوه بر وجود سرمایه نیازمند احساس سرمایه گذار بر وجود امنیت قضایی شغلی در فضای کسب‌وکار نیز می‌باشد. سرمایه‌گذار باید احساس کند چنانچه در فعالیت اقتصادی مداخله کند و چنانچه در مظان اتهام قرار گرفت رعایت اصول دادرسی منصفانه؛ از جمله دسترسی به وکیل، مستقل بودن دستگاه قضایی از ارگان‌های دولتی و غیردولتی و عدم‌مداخله این دستگاه‌ها در فرایند دادرسی اقتصادی، بررسی تخصصی و فنی توسط متخصصان حوزه کسب‌وکار و با فرض بی‌گناهی سرمایه‌گذار در دادگاه‌های ویژه اقتصادی همگی مانع تضییع حقوق ذاتی و قانونی وی در این دادگاه‌ها می‌گردد.

البته جامعه حق ندارد با نادیده گرفتن اصول مسلم حقوق بشری به هرطوری که خواهان اراده او است به مجازات فعالان حوزه اقتصادی دست بزند. بلکه در این رهگذر، برخلاف دوران قدیم که هیچ ضابطه‌ای برای اعمال مجازات رفتار حاکمان وجود نداشت امروزه توجه به الزامات حقوق بشری و رعایت کرامت و شأن انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وضع قوانین خصوصاً قوانین کیفری در حوزه جرایم اقتصادی دارای اهمیت است. اگر سیستم دادرسی کیفری در برخورد با جرائم اقتصادی چه در مرحله تحقیقات مقدماتی و چه در دوران محاکمه و پس از آن از برخی از قواعد و اصول دادرسی عادلانه عدول کند و چنانچه برخی از مقررات اصلاح نگردد این امر می‌تواند باعث دلسرد شدن و کور شدن انگیزه سرمایه‌گذار در سرمایه‌گذاری و نهایتاً فرار سرمایه خصوصاً در کلان‌شهرها شود.

با این وصف عدول از دادرسی عادلانه اقتصادی موجب فرار سرمایه و جذب نشدن سرمایه در کلان‌شهرها خواهد شد و فرضیه ما در این قسمت تأیید می‌شود؛ زیرا عدول از دادرسی عادلانه در فرایند دادرسی اقتصادی بر اساس حساس بودن و مهم بودن دامنه آسیب برخی از این جرائم که در کلان‌شهرها اتفاق می‌افتد جایز نیست. حساس بودن، امنیتی بودن بعضی از جرائم، سازمان یافته بودن و تهدیدات ناشی از آن در

۱- بند(ه) (۳) ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد از گواهانی که علیه او شهادت می‌دهند سؤال بکند یا بخواهد که از آنها سؤالی بشود.

بند (ی) (۲) ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، بند (ه) ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی، بند (ه) (۴) ماده ۲۰ اساسنامه دادگاه روآندا و بند (ه) (۱) ماده ۶۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز به این حقوق اشاره کرده‌اند.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

کلان‌شهرها و حتی به بهانه مشارکت دادن مردم در رسیدگی‌های اقتصادی نمی‌تواند دست‌آویزی در جهت محروم کردن متهم اقتصادی از اصول دادرسی منصفانه باشد تا با این استدلال بتوان در برخورد با فعال اقتصادی و سرمایه‌گذار اقتصادی از اصول دادرسی عادلانه که در قوانین کشور و اسناد بین‌المللی پذیرفته شده عدول کرد. بنابر آنچه بیان شد اصول دادرسی عادلانه و منصفانه باید در رسیدگی‌های اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین اصول تضمین‌کننده عدالت کیفری و محکم‌ترین زیربنای امنیت اقتصادی محسوب شود تا در این راستا سبب ایجاد احساس وجود امنیت اقتصادی در فضای کسب‌وکار تلقی تا در نهایت موجبات جذب سرمایه و افزایش بهره‌وری و اشتغال را فراهم سازد.

براساس یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌گردد:

- به منظور اطمینان‌بخشی به فعالان حوزه اقتصاد مبنی بر حمایت حقوقی و قضایی از فعالیت‌های مشروع اقتصادی و اعتمادسازی در خصوص عدم‌تعقیب و عدم‌اعمال مجازات بی‌ضابطه و غیرمنصفانه نسبت به فعالان اقتصادی خصوصاً در کلان‌شهرها از طریق رسانه ملی و رسانه‌های جمعی، سیاست‌های تشویقی و حمایتی از فعالان حوزه اقتصاد به عمل آید تا ترس از تعقیب و در مجازات بی‌ضابط و غیرمنصفانه، مانع جذب سرمایه و باعث فرار سرمایه در کلان‌شهرها نگردد.

- قوه قضاییه هرچه سریع‌تر در خصوص تدوین مقررات جامع و مانع با در نظر گرفتن اصول مسلم دادرسی عادلانه در رسیدگی‌های اقتصادی اقدام کند تا شائبه تعصبات جانبدارانه و ناعادلانه بودن فرایند رسیدگی به جرایم اقتصادی که موجبات ترس از سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه می‌گردد، سایه نیفکند.

- متولیان امر در کلان‌شهرها ضعف دستگاه‌های متولی کشف جرم اقتصادی را برطرف کنند. در جهت افزایش احساس امنیت اقتصادی و جذب سرمایه در کلان‌شهرها لازم است پلیس تخصصی اقتصادی ناجا به معنی واقعی آن هم به صورت تخصصی و آموزش دیده در جهت کنترل و پیشگیری و کشف و مقابله با فعالیت‌ها نامشروع اقتصادی تشکیل و شیوه‌نامه آن تدوین گردد. بدون‌شک ایجاد امنیت اقتصادی و ایجاد احساس امنیت اقتصادی در جذب سرمایه آن هم در کلان شهرها تأثیر به‌سزایی خواهد داشت.

* سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهش دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس به دلیل حمایت معنوی و همکاری در این پژوهش سپاسگزاری می‌شود. همچنین از آقای دکتر شهرام ابراهیمی برای ارائه نظریه‌های ساختاری، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

۷- منابع

احمدی، احمد؛ رضایی، محسن. (۱۳۹۴). آثار جهانی شدن جرم در قلمرو حقوق کیفری شکلی ایران. *نشریه پژوهش حقوق کیفری*، ۴ (۱۴)، ۱۱۵-۱۴۴.

آزمایش، سید علی. (۱۳۸۶). رابطه اخلاق و حقوق کیفری. *ماهنامه قضاوت*، شماره ۴۹، ۴۵-۴۶.

اکبری، عباسعی؛ مالمیر، محمود؛ پوربافرانی، حسن. (۱۳۹۶). مفهوم و مبانی عدول از اصل برائت. *نشریه فقه و حقوق اسلامی*، ۸(۱۴)، ۱-۲۹.

امیرحاجلو، فضل‌اله؛ فتحی، محمدجواد. (۱۳۹۷)، جلوه‌های دادرسی افتراقی قاچاق کالا (در پرتو اصول دادرسی منصفانه). *نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۴۸ (۲)، ۳۷۹-۳۹۹.

باوی، علیرضا؛ گلدوست جویباری، رجب؛ غلامی، حسین. (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم اقتصادی. *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، شماره ۴۳، ۱۱-۳۲.

توسلی‌زاده، توران. (۱۳۹۲). *پیشگیری از جرایم اقتصادی*. تهران: جنگل.

خالقی، علی. (۱۳۹۸). *آیین دادرسی کیفری*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

دودانگی، محمد. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران. *نشریه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی*، ۶(۲۳)، ۱۳۱-۱۴۷.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]

دیانی، عبدالرسول. (۱۳۹۴). *ادله اثبات دعوی در امور مدنی و کیفری*. تهران: میزان.

رحمدل، منصور. (۱۳۸۸). *دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)*. تهران: میزان.

رحیمی، مصطفی. (۱۳۵۷). *قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی*. *تهران: امیرکبیر*.

سلاطین، پروانه؛ جهانی، طاهره. (۱۳۹۳). جهانی شدن و رشد اقتصادی با تأکید بر عوامل سیاسی در گروه کشورهای منتخب (درآمد متوسط). *کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی*.

سلطانی‌فرد، حسین؛ مالمیر، محمود؛ عالی‌پور، حسن. (۱۳۹۷). آیین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل. *نشریه مطالعات حقوقی*، ۱۰ (۳)، ۱۵۴-۱۹۶.

شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۹۸). *حقوق کیفری اختصاصی: جرائم علیه اشخاص*. تهران: مجد، ژوبین.

شاملو، باقر. (۱۳۸۳). *اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، مجموعه علوم جنایی*. تهران: انتشارات سمت.

شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ امیری، بهزاد، گنجی، مهسا. (۱۳۹۵). تأثیر نهادها بر نرخ بیکاری. *نشریه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۴(۷۹)، ۱۶۵-۱۸۸.

صائمی، علی‌اصغر. (۱۳۸۲). *علم قاضی از دیدگاه فقیهان امامی، ادله اثبات دعاوی کیفری*. مشهد: آستان قدس رضوی.

طالع‌پور اردکانی، حسین؛ خواجه محمودآبادی، حمید. (۱۳۹۴). تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر کاهش بیکاری در ایران. *اولین همایش ملی عبور از رکود اقتصادی، چالش‌ها و راهکارها*.

قپانچی، حسام؛ دانش ناری، حمیدرضا. (۱۳۹۱). الگوهای دوگانه فرایند کیفری کنترل جرم و دادرسی منصفانه. *نشریه آموزه‌های حقوق کیفری*، ۹ (۴)، ۱۶۷-۱۸۴.

مرادخانی، فردین. (۳۹۴). پیدایش مفهوم تفکیک قوا در انقلاب مشروطیت ایران. *مجله حقوقی دادگستری*، *۷۹* (۹۲)، ۱۶۹-۱۹۱.

منصورآبادی، عباس؛ اسدی‌نیا، شهناز. (۱۳۹۹). جلوه‌های دادرسی افترقی جرائم اداری (در پرتو اصل دادرسی منصفانه). *نشریه پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۲ (۳)، ۳۳-۵۷.

مولایی، شیما؛ مزیدی شرف‌آبادی، علی. (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی جرایم گمرکی از بعد حقوقی. *دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق*.

نوبهار، رحیم. (۱۳۸۷). *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*. تهران: جنگل، جاودانه.

Andersson, J. (2005). The Swedish National Council for crime prevention: A short presentation. *Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention*, *6*(1), 74-88.

Craigwell, R. (2006). Foreign direct investment and employment in the English and Dutch-speaking Caribbean. *ILO Subregional Office for the Caribbean*.

Holmes, L. (2006). *Rotten states?: Corruption, post-communism, and neoliberalism*. Duke University Press.

Jude, C., & Silaghi, M. I. P. (2016). Employment effects of foreign direct investment: New evidence from Central and Eastern European countries. *International Economics*, *145*, 32-49.

Ledeneva, A., & Kurkchiyan, M. (Eds.). (2000). *Economic crime in Russia*. Springer.

Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *The quarterly journal of economics*, *110*(3), 681-712.

Morrissey, O., & Udomkerdmongkol, M. (2012). Governance, private investment and foreign direct investment in developing countries. *World development*, *40*(3), 437-445.

Poirson, H. (1998). Economic security, private investment, and growth in developing countries. *IMF Working papers*, *1998*(004).

Schabbach, L. M. (2013). Organized Crime in a World Perspective. *Sociologias*, *15*(34), 278-293.

Shover, N., & Wright, J. P. (Eds.). (2001). *Crimes of privilege: Readings in white-collar crime*. Oxford University Press, USA.

Skogh, G. (Ed.). (2004). *New perspectives on economic crime*. Edward Elgar Publishing.

Vogler, R., & Huber, B. (Eds.). (2008). *Criminal procedure in Europe*. Berlin: Duncker & Humblot.

[Downloaded from iueam.ir on 2026-10-31]
[DOR: 20.1001.1.23452870.1400.9.34.10.8]
[DOI: 10.52547/iueam.9.34.155]